

تحلیل نقش هویت‌های اجتماعی در شکل‌گیری رفتار و نگرش افراد در قرآن کریم

فاطمه علیان نژادی^{۱*}، کاووس روحی برندق^۲

۱- دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸

دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳

چکیده

هویت در حوزه علوم اجتماعی از مباحث نوین و پرچالش امروزی است؛ اما با آموزه‌های بنیادین و اصیل قرآنی و اسلامی پیوند چندانی نیافته است. هویت اجتماعی، مرزی میان ما و دیگران ایجاد می‌کند و بیانگر تشابهات و تمایزاتی است که نقش‌های اجتماعی افراد را شکل می‌دهد. این مفهوم، نقش‌ها و کارکردهای متعددی دارد؛ از یک سو می‌تواند تعارضات در جوامع را کاهش داده و انگیزه همراهی بین اکثریت فراهم کند، از سوی دیگر با پررنگ‌تر کردن مرزهای آن، واگرایی و جدایی را به همراه آورد. با وجود اهمیت نقش گروه‌های اجتماعی در جوامع، به نظر می‌رسد این مفهوم در آراء تفسیری و پژوهش‌های معاصر، آنچنان که باید، مورد توجه قرار نگرفته است. در این میان اغلب، انواع گروه‌بندی‌های اجتماعی در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و بررسی نقش‌ها و تأثیرات هویت‌های گروهی در رفتارهای انسان‌ها از دیدگاه قرآنی کمتر دیده شده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که بر اساس آیات قرآن، هویت‌های اجتماعی در رفتارها، نگرش‌ها و زندگی اجتماعی انسان‌ها چگونه تأثیر می‌گذارند. روش این مطالعه توصیفی-تطبیقی-تحلیلی با استفاده از داده‌های گردآوری شده از نظریات جامعه‌شناسی است. یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهد که هویت اجتماعی، تأثیرات گوناگون و غیرقابل انکاری بر شکل‌گیری رفتار و نگرش دارد. این تأثیر، از دیدگاه قرآن، در سه محور اساسی، تفسیر پیرامون، تعاملات انسانی و همبستگی اجتماعی، از طریق عوامل مختلف نمایان می‌شود.

واژگان کلیدی: هویت اجتماعی، قرآن کریم، تفسیر پیرامون، تعاملات انسانی، همبستگی اجتماعی

۱- مقدمه

امروزه هویت از نگاه جامعه‌شناسی، تعریفی است که فرد از وجود خود در پاسخ به پرسش‌هایی چون "چیستم" و "کیستم" از نظر روانی و رفتاری در زمان و مکان مشخص می‌دهد. این امر مهم، به شخصیت فرد هماهنگی و انسجام می‌بخشد. به عبارتی، در عمل به مفهوم شناختن و شناساندن است. در پی این شناسایی (شناخت خود در برابر دیگران و شناساندن خود به دیگران)، هویت اجتماعی شکل می‌گیرد (جنکینز، ۱۳۹۴: ۶)؛ مانند شناختی که فرد بر مبنای عضویت در گروه‌های اجتماعی، مذهبی، خویشاوندی، قومی، ملیتی، احزاب سیاسی و نظایر آن دارد. از این رهگذر، هویت اجتماعی در قالب گروه‌هایی متشکل از دو فرد یا بیشتر شکل می‌گیرد و اعضای این گروه‌ها، از نظر همبستگی و عناصر مشترک، روابطی پایدار و هدفی مشترک دارند (فورسایت، ۱۳۸۰: ۳۵ - ۳۷).

گروه‌های اجتماعی با نقش‌های مختلف ظاهر می‌شوند و افراد بسته به نقش و کارکرد خود در گروه، انواع مختلفی از ارتباط متقابل را با گروه خود تجربه کرده و به وجود می‌آورند (Davis, 2008, v5, p.556). هدف از تشکیل این گروه‌ها و هویت اجتماعی آن‌ها، برآورده ساختن نیازهای انسانی است اما اغلب به طرفداری درون‌گروهی و تبعیض‌های برون‌گروهی می‌انجامد (Brinthaup, 2000, P.554).

هویت اجتماعی افراد، متناسب با ساختار و نیازهای جامعه آن‌ها شکل می‌گیرد. در جامعه قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد بر اساس جایگاه آن‌ها در قبیله مشخص می‌شود. در جامعه سرمایه‌داری، هویت اجتماعی افراد به دارایی و توان اقتصادی آن‌ها وابسته است. در جامعه متکثر با ادیان مختلف، هویت اجتماعی افراد بر اساس دین و آیین خاص هر فرد می‌تواند باشد. پس از نظر جامعه‌شناسی، هویت اجتماعی با هویتی که بر اساس نظام اخلاقی توصیف می‌شود، تفاوت دارد. در قرآن دسته‌هایی از افراد با نام‌هایی چون مؤمنان، نیکوکاران، کافران، صدیقان، مجرمان، متقین، مفسدان، صالحان و نظایر آن توصیف شده‌اند که بر اساس نظام اخلاقی و ارزش‌های اعتقادی است؛ اما آنچه از نظر جامعه‌شناسی در تعریف هویت اجتماعی موردنظر است، مؤلفه‌هایی چون هدف مشترک، تعلق گروهی و تعاملات درون‌گروهی است.

که در این نظام واژگانی یاد شده، مشاهده نمی‌شود؛ بدین ترتیب، هویت اجتماعی در سطوح کوچک و بزرگ همچون خویشاوندی، هم‌وطن، هم‌مذهب، هم‌شهری و نظایر آن، با عناوینی چون هویت قومی- قبیله‌ای، هویت خویشاوندی و امثال آن بیان می‌شود که در قرآن کریم نظایر آن وجود دارد. در حوزه جامعه‌شناسی، این هویت‌ها واجد نقش‌های متعددی هستند و تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رفتار فردی و اجتماعی اعمال می‌کنند.

به لحاظ پیشینه این موضوع، در میان آثار متقدمان مسلمان، می‌توان به نگاه جامعه‌شناسانه ابن‌خلدون در معرفی اجتماعات، انسحاب، زندگی قبیله‌ای و ویژگی مردمان آن، اشاره کرد (۱۳۷۵: ۲۲۵-۲۴۶). هرچند در آثار وی عنوان هویت دیده نمی‌شود، اما تحلیل رابطه انسان با محیط خویش در حیات فردی، جمعی و تمدن‌ها (آزاد ارمکی، ۱۳۹۲: ۵۹)، مباحثی نزدیک به موضوعات ارتباطات جمعی و تعلق گروهی است. وی به طور خاص از عصبیت خانوادگی، عصبیت قومی، عصبیت نژادی، عصبیت دینی و عصبیت خونی یاد می‌کند و کارکردهای عصبیت گروهی را در سه سطح توضیح می‌دهد:

۱- پیوند فرد با گروه؛

۲- انسجام درون گروهی؛

۳- انسجام فراگروهی (همان: ۶۹-۷۱).

نظریه عصبیت ابن‌خلدون، به صورت غیرمستقیم، مایه‌هایی از هویت اجتماعی را نشان می‌دهد.

۱-۱- پیشینه پژوهش

از منظر پیشینه پژوهش، پایان‌نامه‌هایی چون اثر سید یعقوب هاشمی با عنوان "نقش هویت دینی مسلمانان در همگرایی جهان اسلام" و اثر عبدالله قاسمی حسین‌آبادی با موضوع "نقش هویت دینی در امنیت ملی"، به بررسی کاربرد هویت دینی اختصاص دارند. همچنین، مقاله محمد کاظم کریمی، به "مروری بر نقش و جایگاه مفاهیم گروه، نهاد، جامعه و فرهنگ با نگاه تطبیقی به دیدگاه‌های اسلامی"، می‌پردازد.

نگارندگان این پژوهش‌ها کوشیده‌اند، نقش یکی از هویت‌ها را به صورت مستقل یا بخشی از گروه‌های اجتماعی در قرآن و اسلام بررسی کنند، اما اثرات و نقش‌هایی که اصل هویت اجتماعی در رفتار آنان می‌تواند داشته باشد، مورد بررسی قرار نگرفته است. این مطالعه، از آن حیث که مستند به الگوها و نظرات جامعه‌شناسی است، می‌تواند بخشی از رفتارهای اقوام، گروه‌ها و افراد یاد شده در قرآن را بر اساس هویت آن‌ها تحلیل و معرفی کند. با وجود اینکه در جامعه‌شناسی، تحقیقات متعددی در این باره ارائه شده است، اما در مطالعات قرآن و حدیث، به این صورت مطرح نگردیده است. با وجود نقش انکارناپذیر هویت اجتماعی در زندگی انسان‌ها، متأسفانه این مفهوم در آراء تفسیری دانشمندان مسلمان و پژوهش‌های قرآنی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برخی از این تحقیقات، تنها بر گروه‌بندی‌های اجتماعی یادشده در قرآن کریم متمرکز هستند. این کمبود توجه، ضرورت انجام این مطالعه را برجسته می‌سازد.

۲-۱- سؤالات پژوهش

مسئله اصلی مطالعه حاضر این است که:

- ۱- هویت‌ها چگونه در رفتارها، نگرش‌ها و زندگی اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارند؟
 - ۲- چه گونه‌هایی از این تأثیرات بر رفتار افراد در قرآن قابل تحلیل و بررسی است؟
- نوآوری این مطالعه، میان‌رشته‌ای بودن، جامع‌نگری و پرهیز از نگاه‌های یک سویه به دانش است. این مفهوم اجتماعی در قرآن، هم به لحاظ موضوعی و هم میان‌رشته‌ای بودن، مسئله جدیدی در حوزه قرآن و تفسیر است؛ بنابراین، نظریه‌های ارائه‌شده، جدید و مبنای پژوهش‌های قرآنی و جامعه‌شناسی آینده، خواهد بود.

در این راستا، مطالعه حاضر یک پژوهش میان‌رشته‌ای است؛ یعنی بررسی یک موضوع از منظر قرآن و علمی خاص که نتیجه آن بیان دیدگاه‌ها در برابر یکدیگر و امکان بررسی مقارنه‌ای یک موضوع از دو زاویه است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۲۴). در این تعامل، روش و مفاهیم موجود در جامعه‌شناسی، نقش خادم برای قرآن ایفا می‌کند و نقش ابزاری برای به سرانجام رسیدن نتایج علم مخدوم دارد و خود بهره خاصی از نتیجه و دستاوردهای

میان‌رشته‌ای نمی‌برد (درزی و قراملکی، ۱۳۹۹: ۱۲۲). با توجه به تقدم تاریخی قرآن بر علوم انسانی و جایگاه والای آن در فرهنگ اسلامی، در تعامل بین قرآن و علوم انسانی، زبان قرآن نقش محوری و تعیین‌کننده ایفا می‌کند (پاکتچی، ۱۴۰۰: ۶۸). از این‌رو، میزان تأثیرگذاری زبان قرآن بر علوم انسانی به مراتب بیشتر از تأثیر علوم انسانی بر قرآن است.

۲- نقش‌ها و تأثیرات هویت اجتماعی در رفتار و نگرش افراد در قرآن کریم

بررسی نقش‌های هویت اجتماعی در زندگی انسان‌ها در قرآن، بر اساس مفاهیم و نظریات گردآوری شده از کتاب‌های جامعه‌شناسی است. در این راستا، تلاش شده تا فرآیند دستیابی به این سه نقش مشخص در آیات قرآن پی‌جویی و بررسی گردد و در ادامه، به استخراج، تشریح و انطباق این نقش‌ها با ادبیات جامعه‌شناسی پرداخته شود.

۲-۱- نقش هویت در تفسیر پیرامون

تعلق داشتن به یک گروه، به فرد هویتی می‌بخشد که او را ملزم به ارزیابی و پذیرش ارزش‌ها و اولویت‌های خود و اعضای گروهش می‌کند. از جمله اثرات هویتی او این است که همواره با همان پیش فرض بدست آورده و متأثر از هویتش به تحلیل و تفسیر محیط اطراف خود می‌پردازد (ون بیول و پکر، ۱۴۰۱: ۴۶). گرایش شدید فرد به هویت گروهی‌اش و توجه به تعارض‌های خود و گروهش با دیگر گروه‌ها، می‌تواند تفسیرها و قضاوت‌های خاصی در ذهن او نسبت به رفتار دیگران ایجاد کند. بر اساس قضاوت‌های خود، نسبت به اطراف و نظرات، نگاه‌گزینشی پیدا می‌کند. این امر موجب می‌شود هر شخص استنباط خاصی نسبت به یک واقعه داشته باشد و نیز همه افراد، هریک، استنباط‌های متفاوتی از همان واقعه ارائه می‌کنند (همان: ۶۰) که همان تفسیر پیرامون براساس هویت می‌باشد. تفسیر پیرامون بر اساس هویت در چهار مقوله زیر قابل پی‌جویی است:

۲-۱-۱- نقش هویت در تعیین چارچوب تفکر

در هویت اجتماعی، فرد به عنوان عضوی از یک گروه، در جستجوی ویژگی‌های مشترک با سایر اعضای گروه و از سوی دیگر توجه به تفاوت‌های گروه خود با دیگر گروه‌هاست. در این حالت، تصور فرد از خودش، به واسطه انتظارات اجتماعی و ادراکات فرد از نحوه رفتار دیگران با او شکل می‌گیرد (بارون، ۱۳۹۵: ۳۰۴).

با درک این انتظارات اجتماعی و تجربیات، فرد به کلی‌سازی می‌پردازد؛ یعنی، رفتارهای منفی یا مثبت مشاهده‌شده را به کل گروهی که به آن ویژگی تعلق دارند، تعمیم می‌دهد. به عنوان مثال، اگر فردی از تجربه‌های منفی با برخی افراد از یک گروه قومی خاص، به اعضای آن گروه بدبین شود و تصوراتی از آن برای خود ساخته باشد که با هر بار مواجهه آن را تقویت و تداوم بخشد، به نوبه خود، رفتارهای بعدی او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فرایند، برداشت‌ها و تفسیرهای خاصی را رقم می‌زند که تفکر قالبی (stereotype) نامیده می‌شود. تفکر قالبی، اندیشه تشکیل‌شده در ذهن شخص یا ذهن جمعی گروه است که مانع قضاوت و شناخت منطقی آن‌ها نسبت به مسائل می‌شود. نکته حساس‌تر این است که برای افراد، باقی ماندن در تفکر قالبی گروه و سهیم بودن با نظرات و عقاید آن‌ها امنیتی فراهم می‌سازد که بهتر از مخالفت با رأی و نظر هم‌گروهی‌ها و مورد انتقاد قرار گرفتن است (فورسایت، ۱۳۸۰: ۳۸۶). از جمله تأثیرات سوء تفکر قالبی، تحلیل اشتباه و غیر واقع‌گرایانه نسبت به مسائل و پیرامون است که منجر به پیش‌داوری و تبعیض می‌شود.

تفکر قالبی، می‌تواند مثبت یا منفی باشد، اما اغلب، پیامدهای منفی دارد و منجر به پیش‌داوری و تبعیض نسبت به یک فرد یا افراد می‌شود. به عنوان مثال، پیش‌داوری درباره اینکه "همه مهندسان آدم‌های بداخلاقی هستند" یک تفکر قالبی است که می‌تواند برای فرد یا افرادی به وجود آمده باشد. در نمونه‌های قرآنی نیز می‌توان تفکر قالبی را در تعصب و پیش‌داوری جمعی از اشراف و سران قوم نوح دید که نسبت ضلالت به پیامبران‌شان می‌دادند: ﴿قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (اعراف/۶۰) یا سران قوم عاد که به حضرت هود نسبت سفاهت داده بودند: ﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ

تحلیل نقش هویت‌های اجتماعی در شکل‌گیری رفتار و نگرش افراد ... _____ فاطمه علیان نژادی و کاووس روحی برندق

إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٦٦﴾ (اعراف/٦٦). تعبیر «ملاً»، اشاره به هویت افرادی دارد که به صورت آگاهانه پیش‌داوری کرده و متعصبانه رفتار می‌کند.

قرآن‌کریم، همچنین به تعصب مذهبی بین یهودیان و نصاری که هریک خود را برتر از دیگری می‌شمارند، اشاره می‌کند: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ﴾ (بقره/١١٣) به استناد این آیه، یهودیان ادعا می‌کنند که مسیحیان هیچ موقعیت و جایگاهی ندارند و مسیحیان نیز، همین باور را نسبت به یهودیان دارند. در حالیکه هر دو گروه دارای کتاب آسمانی و از ادیان الهی هستند. هدف این آیه سفارش بر از بین بردن تعصبات مذهبی و پذیرش بدون تعصب دیگران دارد و انتهای آیه وجود اینگونه تعصب‌ها را به جهل و نادانی افراد منتسب می‌کند (طوسی، بی‌تا، ج ١: ٤١؛ طبرسی، ١٣٧٢، ج ١: ٣٥٩) که ریشه تاریخی و فرهنگی در میان آن‌ها دارد.

٢-١-٢- نقش هویت در تصمیم‌گیری گروهی

عضویت و تعلق داشتن به یک گروه سبب می‌شود، افراد به جهت همراهی با گروه، مطابق با اهداف و منافع خود و گروه رفتار کنند. چه بسا ناچار باشند از ارزش‌ها و اصولی که همخوان با هویت گروهی آن‌هاست، پیروی کنند، نه آن چیزی که خود به آن باور دارند. در این صورت، نگرش و رفتار اعضا، حتی به ظاهر، یکسان و یک شکل می‌گردد (ون بیول و پکر، ١٤٠١: ٢٥ و ٣٧)، به گونه‌ای که در تصمیم‌گیری‌های جمعی اثرگذار می‌شود.

در این باره، می‌توان به روایت اشخاصی در سوره قلم اشاره کرد که خداوند یکی از آن‌ها را با وصف "أَوْسَطُهُمْ" یاد می‌کند: ﴿قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تُسَبِّحُونَ﴾ (قلم/٢٧). ضمیر متصل "هم"، نشان دهنده یک هویت جمعی و گروهی برای این شخص و یا افراد است و وصف "اوسط"، بیان اندیشه و تفکر متفاوت او نسبت به دیگر اعضا است. آن‌ها فرزندان مردی نیکوکار بودند که هر سال از محصولات باغ خود به محرومان می‌بخشیدند. پس از مرگ او، فرزندان تصمیم گرفتند، برخلاف سنت پدر، همه محصولات را برای خود بردارند و چیزی برای مستمندان باقی نگذارند: ﴿إِذْ أَفْسَمُوا لَيْصُرْمَنَها مُصْبِحِينَ* وَلَا يَسْتَنْوُونَ﴾ (قلم/١٧)

و ۱۸) ﴿فَتَنَادُوا مُصِیْحِینَ* أَنْ اِغْدُوا عَلَی حَزْبِكُمْ إِنَّ کُتُبَ صَارِمِینَ فَاَنْطَلَقُوا وَ هُمْ یَخَافَتُونَ* أَنْ لَا یُدْخِلَهَا الْیَوْمَ عَلَیکُمْ مَسْکِینٌ﴾ (قلم / ۲۱-۲۴).

گفته شده است، این شخص از برادرانش میانه‌روتر و معتدل‌تر بود و همواره اطرافیان خود را به حق یادآوری می‌کرد، اما آیات نشان می‌دهد که در نهایت با آنان همراه شد و در مقام عمل، از آنان پیروی نمود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۳۷۵). پیروی و همراهی با نظر مخالف، از اثرات تصمیم‌گیری جمعی است. از نظر جامعه‌شناسی تصمیم‌گیری گروهی، مثبت یا منفی، مسئولیت را به عهده افراد بیشتری می‌اندازد و اعضاء را در گرفتن تصمیم جسورتر می‌سازد. این حالت سبب می‌شود اعضاء از انتقاد به یکدیگر خودداری کنند و انکاء به یکدیگر به قدری تحکیم و تقویت شود که در تصمیم‌گیری‌های اشتباه بتوانند آن‌ها را از واقعیت دور کنند (ترنر، ۱۳۷۸: ۱۹۱). انعکاس پشیمانی آن‌ها و سرزنش کردن یکدیگر پس از نزول عذاب در آیه ﴿فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ یَتَلَاوَمُونَ﴾ (قلم / ۳۰)، نشانه‌ای از محکوم کردن این تصمیم‌گیری و اقدام جمعی آن‌هاست که با تکیه بر قدرت جمعی، جسارت تغییر در سنت حسنه پدرشان را در آن‌ها تقویت کرد.

۲-۱-۳- نقش هویت در سوگیری‌های شناختی

سوگیری شناختی، یک خطای ذهنی است که به نگرش و گرایش غلط منجر می‌شود و در استدلال و ارزیابی افراد تأثیر می‌گذارد. در این حالت گرایشی برای فرد یا اعضای یک گروه به وجود می‌آید که صفات منفی را برای گروه‌های بیگانه و صفات مثبت را برای خود می‌داند. این گرایش را که اغلب در هویت‌های اجتماعی بزرگ‌تر، مانند گروه‌های قومی و قبیله‌ای رخ می‌دهد، سوگیری گروه خودی- بیگانه می‌گویند (فورسایت، ۱۳۸۰: ۵۱۶).

سوگیری شناختی، نتیجه یک مقایسه اجتماعی است و شخص موقعیت‌ها و دستاوردهای اجتماعی خود و هم‌گروهی‌های خود را در مقابل ارزش‌های دیگر افراد قرار می‌دهد. بنا به نظریه مقایسه اجتماعی، این مقایسه اغلب توقعات مختلفی برای خود و دیگران به وجود می‌آورد (بارون، ۱۳۹۵: ۲۸۱-۲۸۳) که حاصل از هویت اجتماعی افراد است. این مطلب

سبب می‌گردد افراد، بیشتر به نفع گروه‌های خود و به ضرر گروه‌های دیگر سوگیری و جانبداری کنند و حتی به صراحت، نظرات و احساسات خود را بروز دهند (ون بیول و پکر، ۱۴۰۱: ۳۹ و ۱۴۳).

باید یادآور شد، تفاوتی که سوگیری شناختی با تفکر قالبی دارد، این است که تفکر قالبی، ریشه در تاریخ، قدرت، فرهنگ و ساختارهای اجتماعی دارد و اغلب آگاهانه رخ می‌دهد؛ اما سوگیری شناختی، یک مکانیسم ذهنی است که بیشتر ناآگاهانه و براساس شناختی نادرست صورت می‌گیرد و بر تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت، اثرگذار است.

از نمونه رفتارهای ناشی از سوگیری و مقایسه اجتماعی در قرآن، سخن مشرکان مکه بر پایه شناخت نادرست است که کفر و باورهای آنان صحیح و سعادت بخش خواهد بود. استدلال آن‌ها بر این باور، برتر بودن جاه و مقام دنیوی آن‌ها نسبت به یاران پیامبر (ص) است. از این رو در قالب تمسخر به مؤمنان می‌گفتند، ما بهترین جایگاه و موقعیت را در این دنیا داریم (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶: ۸۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۲۲۸): ﴿قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيِ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَ أَحْسَنُ نَدِيًّا﴾ (مریم/ ۷۳) این یک خطای شناختی است که سبب شده کفر خود را حق و صحیح بدانند و آن را با ایمان مؤمنین معاوضه نکنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴: ۹۹). این مقایسه و شناخت ناصحیح، باعث می‌شود قضاوت‌های دور از واقع و رفتار نادرست بروز دهند.

این مسئله ممکن است در جمع مؤمنان نیز رخ دهد. قرآن کریم در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾ (حجرات/ ۱۱)، به یک نهی صریح و اخلاقی، در میان مؤمنان اشاره می‌کند که نباید قومی مؤمن، قوم مؤمن دیگری را مسخره کند؛ شاید آن‌ها از اینها بهتر باشند. برخی گفته‌اند نمونه‌ای از آن، تمسخر فقیران مؤمن از سوی ثروتمندان بوده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۶: ۸۳). رفتارهای مخرب اجتماعی چون تمسخر و تحقیر، اغلب متأثر از این مکانیسم ذهنی است. اینکه مؤمنان را به خودآگاهی نسبت به خطای شناختی برتری خود یا گروه خودشان به دلیل ثروت یا بالاتر بودن درجه ایمان یا هرچیز دیگر هشدار می‌دهد تا از ایجاد تبعیض و تفرقه در جامعه ایمانی جلوگیری شود.

۲-۱-۴- نقش هویت در اشتراک غیرواقعیت یا توهم همگانی

اشتراک غیرواقعی یا توهم همگانی، همان پیروی از انگیزه‌های غیرواقعی و تخیلی افراد است که یک تصور مشترک را به عنوان واقعیت تلقی می‌کند. اغلب، هویت‌های اجتماعی از اشتراک تصورات واقعی از خود ما یا دیگران به وجود می‌آید؛ اما گاهی باورهای کاذب و انگیزه‌های روان‌شناختی نادرست و تخیلی، افراد را به سمت تبعیت از هنجارهای غلط سوق می‌دهد و در نهایت، تصویری اشتباه از واقعیت را به وجود می‌آورد که در اثر عضویت گروهی این توهم همگانی به راحتی پذیرفته می‌شود (ون بیول و پکر، ۱۴۰۱: ۶۵). در چنین شرایطی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا باور به حقیقت قوی‌تر است یا عضویت گروهی؟

در بسیاری از موارد، انگیزه‌ها و باورهای برگرفته از هویت اجتماعی و تعلق گروهی، از میل به دانستن حقیقت، قوی‌تر و بیشتر می‌شود. این همان توهم همگانی است که سبب می‌شود افراد در مواجهه با حقیقت مقاومت کنند و تسلیم حقیقت نشوند (همان: ۱۰۸).

از جمله نمونه‌ها در آیات قرآن کریم، اشاره به قرار دادن شریک یا فرزند برای خدا از سوی مشرکان است. مشرکان با اینکه می‌دانستند، خدا خالق همه چیز است، اما دچار یک باور غلط و توهم همگانی شده بودند و مخلوقات را هم ردیف با او قرار می‌دادند. این امر به قدری برای آن‌ها تکرار و تثبیت شده بود که در منظرشان به واقعیت بدل گردید. مؤید این مطلب، دقت در کاربرست واژه "خرق" به جای "خلق" در این آیه است: ﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ وَ خَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَ بَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (انعام/۱۰۰).

بنا به نظر راغب، واژه خرق، به معنای ایجاد کردن بدون اندازه، بی‌ارزش و بدون حسابگری است. درحالی‌که ماده خلق به مفهوم آفرینش از روی حسابگری و ارزش است. این واژه نشان‌دهنده پیروی کورکورانه و تثبیت تصورات نادرست و اندیشه‌های اشتباه آن‌هاست (راغب، ۱۴۱۲: ۲۸۰). گفته شده است که دلیل قرار دادن شریکانی از جن برای خدا از روی ترس جنیان بوده است و ایمان آن‌ها به حدی رسیده بود که حتی آنان را عبادت می‌کردند. این اندیشه نادرست به رابطه خویشاوندی بین جنیان و خدا نیز منتهی

شد. همچنین، ملائکه را دختران خدا و انبیائی چون عیسی بن مریم (ع) و عزیر (ع) را فرزندان خدا می‌دانستند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۱۸؛ طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۲۱۹).

شیخ طوسی در تفسیر رفتار این افراد تعبیر توهم را به کار برده است؛ توهمی که برای آن‌ها به واقعیت تبدیل شده بود (بی‌تا، ج ۵: ۳۵۵). یک توهم جمعی که در اثر تکرار باورهای جمعی و اکثریت که برگرفته از هویت اجتماعی آن‌هاست، شکل گرفته بود.

نمونه دیگر، پیروی برخی اقوام از اندیشه‌های قبیله‌ای و اجدادشان است و منطلق این افراد متأثر از توهم گروهی آن‌ها و تبدیل باور نادرست به یک واقعیت غیرقابل انکار از نگاه آن‌هاست. در قرآن کریم آمده است: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (مائده / ۱۰۴)؛ هنگامی که به آنان گفته می‌شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر آیید، پاسخ می‌دهند روش و آیینی که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، ما را بس است.

برخی مفسران بر این باورند که این افراد به سختی می‌توانند هویت پیشین خود را نفی کرده و آیین جدید را بپذیرند. به همین دلیل قرآن کریم آن‌ها را نکوهش می‌کند با اینکه می‌دانند پدرانشان هیچ علم و دلیلی نداشته و هدایت یافته نبودند و به عبارتی عقاید و رفتار معقولی نداشته‌اند با این حال، چرا از آن‌ها پیروی می‌کنند؟ ﴿لَا يَهْتَدُونَ﴾، نشانه‌ای از هدایت نشدن به دلیل تقلید کورکورانه آن‌هاست (همان، ج ۴: ۳۹). این باور (آنچه از پدران خود یافته‌ایم، ما را بس است)، به صورت جمعی و همگانی در بین این اقوام رواج یافته است. تکرار و تأیید جمعی، آن را به یک واقعیت غیرقابل انکار برای آن‌ها تبدیل می‌کند و در نهایت مقاومت در برابر آن، برای هر فردی دشوار می‌گردد.

ممکن است توهم همگانی با تفکر قالبی، مشابه فرض شود. در حالیکه اندکی تفاوت در ماهیت هردو وجود دارد. همانطور که در قبل اشاره شد، تفکری که ریشه در تاریخ، فرهنگ و شرایط اجتماعی دارد و به صورت خودآگاه، نسبت یا تفکری را به گروهی تعمیم می‌دهد، از ثمرات تعصب است. اما توهم همگانی یا اشتراک غیرواقعیت، باور

غلطی است که به طور گسترده و مشترک توسط اعضای یک جامعه پذیرفته می شود و در سطح جمعی آن را به واقعیت تبدیل می کند.

۳- نقش هویت در تعاملات انسانی

اقوام مختلف در کل جوامع بشری، برای به دست آوردن امکانات و فرصت های بیشتر به هدف ایجاد زندگی راحت تر، از هویت های اجتماعی خود برای تعاملات و ارتباطات استفاده می کردند که در قسمت های آتی بیان خواهد شد.

۳-۱- نیاز شخصیتی و روانی

هویت اجتماعی، عاملی تعیین کننده در سلامت روانی، برآورده کردن نیازهای دوستی و حتی شکل دهی به هویت فردی محسوب می شود. در جوامع محلی و سنتی، تعلق داشتن به گروهی خاص، به دلیل رفع نیازهای گوناگون، امری انکارناپذیر است. در مقابل، تنهایی و حس کمبود یا فقدان ارتباطات اجتماعی یکی از عوامل کاهش سلامت روانی و جسمانی است (ون بیول و پکر، ۱۴۰۱: ۱۲۷).

در جامعه پیشااسلام شبه جزیره حجاز، نابرابری ها و تبعیض های قبیله ای بسیار آشکار بود. زنان، بردگان و کنیزان جایگاه مشخص و محدودی داشتند و هویت ها در چارچوب قبیله ای و با توجه به نسب، تعیین می شدند. هویت قبیله ای با ظهور اسلام به جهت سهولت برخی ارتباطات همچنان باقی ماند، اما از طرفی دیگر برای جلوگیری از تبعیض، اختلاف طبقاتی و فراهم ساختن فضایی آرام و سالم این آیه نازل شد: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ (ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را طوایف و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید) (حجرات/۱۳). در این آیه، "لتعارفوا" به این معناست که خداوند حکیم شما را به صورت ملت ها و قبیله ها قرار داده است (بدون اینکه ادعای اختلاف و تمایز در نسب ها داشته باشید) تا در پرتو شناخت یکدیگر، بدانید چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار کنید (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴:

۳۷۵). آیه خطاب به همه مردم و مرتبط با چگونگی ارتباطات آنهاست و اختصاصی به جمع مؤمنان ندارد. در این آیه به چندین هویت اشاره دارد؛ آفرینش و وجود مرد و زن و هویت جنسیتی افراد که برای بقاء نسل ضروری است. واژگان شعوب و قبائل، می‌توانند ناظر به هویت‌های اجتماعی مانند قبیله، قومیت و ملت باشند؛ هویت‌هایی که ساختارهای اجتماعی را شکل می‌دهند و زمینه را برای دیگر هویت‌های اجتماعی بزرگتر فراهم می‌کنند. لتعارفوا، تأکیدی بر اهمیت شناخت و آشنایی میان افراد و گروه‌های مختلف دارد. شناخت دیگران با هویت‌های مختلف، چه از نظر جنسی و چه قومی، باید همراه با درک و هم‌دلی و دور از تعصب باشد تا مسئولیت افراد در قبال یکدیگر و جامعه را افزایش دهد. همکاری و احترام به هویت‌های یکدیگر پایه و اساس تعاملات اجتماعی مناسب را به منظور داشتن جامعه‌ای آرام و سالم فراهم می‌سازد.

پس از ظهور اسلام و هجرت پیامبر (ص) به مدینه، هویت اجتماعی جدیدی در میان مسلمانان با نام هویت مهاجران و انصار شکل گرفت. مهاجران، کسانی بودند که وطن، خویشاوندان و همسایگان خود را در راه خدا رها کرده و به مدینه آمده بودند. وضعیت زندگی آنان به قدری دشوار بود که خداوند در آیه ۶۶ سوره نساء آنان را چنین توصیف نموده است: ﴿إِنْ أَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ﴾ (نساء/۶۶) (در میان خود بکشد یا از خانه خود خارج شوید). چه بسا مشقت ترک وطن هم‌ردیف با جنگ و نوعی خودکشی دانسته شده است؛ چرا که آن‌ها دین و آیین اجدادی، خویشاوندان، دوستان، وطن و همسایگان را در راه رضای خدا رها کرده و به مدینه آمده بودند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۵۱۵). فدا کردن اعتبار و موقعیت خود در شهر مکه، به عبارتی فدا کردن هویت اجتماعی سابق آنهاست (خودکشی هویتی).

در دیدگاه اسلام، باور به خدا، تلاش در راه او و دفاع از دین، ارزش‌های برتر و مبنایی برای تعاملات انسانی نسبت به پیوندهای خویشاوندی هستند. این باورها، زمینه‌ساز ایجاد روابطی مبتنی بر حمایت، محبت و امنیت میان افراد می‌شوند (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰: ۴۲۹). مهاجران با ترک هویت اجتماعی پیشین خود در مکه و پذیرش هویت جدید، هویت

جدیدی را بر اساس ایمان و تعلق به جامعه دینی شکل داده و تعاملات خود را در راستای اهداف دینی قرار داده بودند.

آنچه بیان شد، یک تغییر اساسی در نحوه تعاملات انسانی است؛ زیرا حسی که در سایه توافق گروهی به دست می‌آید، دارای دو جنبه روح گروهی و دلگرمی گروهی است. روح گروهی، عواطف شدید و هم‌سنخ در میان اعضای گروه نسبت به حیات و بقاء گروه است که به ایجاد احساس نزدیکی و همبستگی اعضای گروه کمک می‌کند؛ اما دلگرمی گروهی، شامل امید و اعتماد آن‌ها به پیشرفت گروه است (گلشن فومنی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). در این راستا دیده می‌شود، رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) در اعلان برادری میان مهاجران و انصار، نقشی اساسی در شکل‌گیری جامعه دینی صدر اسلام ایفا کرد. این اقدام، با ایجاد روح گروهی مبتنی بر احساس نزدیکی، نیاز به تعلق و پذیرش را در میان افراد به خصوص مهاجران برطرف ساخت. همزمان، دلگرمی گروهی ناشی از امید و اعتماد به پیشرفت و موفقیت جامعه جدید، نیاز به امنیت و اطمینان خاطر را تأمین کرد. بدین ترتیب، ساخت هویت جدید بر پایه این دو جنبه، توانست زمینه‌ساز سلامت روان و پیشرفت در فضای مؤمنانه آن دوران شود.

۳-۲- نیاز به تأیید و برجسته‌سازی هویت

ارتباطات درون‌گروهی و برون‌گروهی لازمه هویت اجتماعی است. بشر برای مقابله با غفلت و بی‌تفاوتی نسبت به خود و دیگران، نیازمند به تأیید و یادآوری هویت خود است. همچنین برای عملکرد و احساس ارزشمندی، به تعاملات اجتماعی و دریافت بازخورد مثبت از دیگران نیاز دارد. تکرار و تقویت ارتباطات، سبب تأیید و برجسته‌سازی هویت گروهی افراد می‌شود و به آن‌ها فرصت می‌دهد که ارزش‌ها، باورها و هدف‌های مشترک خود را به دیگران ارائه کرده و از تأیید و حمایت گروهی برخوردار شوند (ون بیول و پکر، ۱۴۰۱: ۱۲۲). بنابراین تأیید هویت اجتماعی که در میان تعاملات درون‌گروهی و

تحلیل نقش هویت‌های اجتماعی در شکل‌گیری رفتار و نگرش افراد ... _____ فاطمه علیان نژادی و کاووس روحی برندق

برون‌گروهی حاصل می‌شود، برای یادآوری خود و گروه خود به دیگران و ایجاد احساس ارزشمند بودن به لحاظ نیاز شخصیتی و روانی برای انسان‌ها ضروری است.

از نمونه‌های مرتبط به این موضوع، اشاره به یک امر تشریعی در قرآن کریم است: ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ... وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾ (رعد/۲۱). از آنجا که موضوع ارتباط، در این آیه مطلق بیان شده، می‌تواند بر هر ارتباطی که خداوند امر فرموده، دلالت کند که معروف‌ترین آن، توصیه به صله رحم است و ترک آن مخالفت با امر خدا شمرده شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۴۴۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۳۴۲). یکی از دلایل تأکید قرآن بر ارتباطات خویشاوندی، تأیید و یادآوری هویت اجتماعی افراد در چارچوب نظام خویشاوندی است؛ چرا که هویت فردی و اجتماعی، همراه با وظایف و مسئولیت‌های ناشی از آن، در تعاملات درون‌خانوادگی، خویشاوندی و قبیله‌ای شکل می‌گیرد و از طریق تعاملات و نقش‌های تعریف شده در این نظام، افراد به هویت خود معنا و ارزش می‌بخشند.

از نگاه هویتی، آیه ۶۱ سوره نور، شاهدی بر توصیف یک شبکه ارتباطی است که دارای یک شخصیت محوری و دیگر نسبت‌های خویشاوندی اصلی در ارتباط با اوست: ﴿أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ﴾. در شأن نزول این آیه آمده است، اصحاب رسول خدا در صدد تلاش برای اکرام و اطعام نابینایان یا بیماران بودند. هنگامی که در منزل خود چیزی برای اطعام نداشتند، اجازه داشتند با استفاده از غذاهای منازل خویشان یا دوستان خود در زمان غیبت آن‌ها، بیماران و نابینایان را اطعام کنند؛ اما خود از خوردن آن طعام‌ها امتناع می‌کردند. با نزول این آیه به آن‌ها اجازه خوردن از منازل این اشخاص داده شد (واحدی، ۱۴۱۱: ۳۳۹).

همراه با بیان مسئولیت مؤمنان نسبت به ناتوانان، یکی از اهداف آیه در ذکر و یادآوری کامل نسبت‌های فامیلی نزدیک، در واژگان آبائکم، اُمَّهاتکم، إِخْوَانکم، أَخَوَاتکم، أَعْمَامکم، عَمَّاتکم، أَخَوَاتکم، خَالَاتکم، می‌تواند به نمایش گذاشتن یک شبکه منسجم خویشاوندی باشد. ذکر عناوین و نام‌های شخصیت‌ها و هویت‌ها، صرف‌نظر از جنبه فقهی و اخلاقی، برجسته‌سازی و

تأیید هویت خویشاوندی آنهاست و هویت افراد را در قبال خانواده و جامعه‌ای که به آن تعلق دارند، مشخص و تثبیت می‌کند. هویت هر فرد، در این بافت اجتماعی، محصولی از تعاملات مستمر میان نیازها و تمایلات شخصی با انتظارات و ساختارهای اجتماعی است. شخصیت مرکزی که با ضمیر متصل "کم" نشان داده می‌شود، نقش اتصال‌دهنده به این شبکه اجتماعی را ایفا می‌کند و با ترکیب تمایلات و نیازهای افراد مختلف، هویتی جمعی و یکپارچه ایجاد می‌کند. هویت اجتماعی این فرد، نه تنها از درون او، بلکه از طریق تعاملاتش با دیگران و ساختارهای اجتماعی، ساخته و پرداخته می‌شود.

۳-۳- هویت و تسهیل تبادل اجتماعی

از نظر جامعه‌شناسان، هویت ما از تعامل ما با دیگران و جامعه اطراف، شکل می‌گیرد. در واقع، هویت بخشی از تصور ما از خودمان است که در ارتباط با دیگران و در بستر اجتماعی پدید می‌آید و گاه با تغییرات اجتماعی، تغییر می‌کند. این تعاملات، بین افراد یک گروه باشد یا در میان گروه‌های مختلف، ساختارهای اجتماعی را می‌سازد و بر هویت‌های فردی و گروهی ما تأثیر می‌گذارد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۸ و ۲۵).

هویت‌های گروه‌های نزدیک به هم، زمینه‌های مشترکی برای درک و تعامل اجتماعی ایجاد می‌کنند که منجر به انتظارات و قواعد رفتاری مشابه می‌گردند و در نتیجه تبادل آسان‌تر می‌شود.

در تبادلات اجتماعی پیش از اسلام، می‌توان به عهدها و پیمان‌های میان تیره‌ها و قبائل برای همکاری‌های دوجانبه اشاره کرد؛ در عهد و پیمان‌های قبائل، درک مشترک از ارزش‌ها، اهداف و اصول هویت‌های یکدیگر، جزء اصول کلیدی تعاملات است که در صورت تفاهم به ایجاد توافقات، تسهیل ارتباطات و اجرای عهد و پیمان منتهی می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان از سوگندی نام برد که میان دو تیره بنی عمر از خزاعه و تیره بنی هاشم از قریش به هدف اتحاد میان بزرگان، کسب حمایت و پشتیبانی از یکدیگر صورت گرفته بود (ابن حبیب، ۱۹۸۵: ۸۷). این حمایت و پشتیبانی دو جانبه سبب تسهیل ارتباطات میان قبائل می‌شد. هرچند،

گاهی این حمایت‌ها به شکلی عادلانه و منصفانه نبود. به همین دلیل قرآن شروطی برای حمایت‌ها قرار داد و زمینه ارتباط و تبادل حمایتی میان خود را مشروط به همکاری و تبادل در کارهای نیک دانست: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (مائده/ ۲). با این شرط، قرآن درصدد است بتواند روح اعراب را با رویکرد الهی و تسلیم شدن به احساسات و رفتار الهی تربیت کند و اصل رایج در میان اعراب آن دوران که "برادرت را یاری کن، خواه ظالم باشد یا مظلوم" به سمت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی تغییر دهد (قطب، ۱۴۲۵، ج ۲: ۸۳۹).

پس از اسلام، تعهدات افراد، به پیمان و سوگند افراد و قبائل منحصر نگشت، بلکه بر مبنای ارزش‌های دینی شکل گرفت؛ اما درباره غیرمسلمانان احکام و دستوراتی چون پیمان بستن را مجوز ارتباط و مبادلات آن‌ها می‌داند (ارتباطات برون‌گروهی). مشروط بر اینکه آن‌ها به ضرر مسلمانان رفتار نکنند و در مواقع حساس، به آن‌ها کمک کنند: ﴿وَإِنْ اسْتِئْذِنْتُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ﴾ (انفال/ ۷۲). بدین ترتیب برقراری ارتباطات به هدف تسهیل تبادلات اجتماعی با توجه به هویت‌های افراد و نوع عملکردشان، تعیین و بیان شده است.

۳-۴- هویت برای مقابله با چالش‌ها

برای مقابله با تبعیض‌ها و چالش‌های پیش رو، انسان‌ها در پی یافتن راهکارهای مناسب هستند. یکی از راهکارهای مقابله، استفاده از هویت‌های مشترک و یا هویت‌های در حال تغییر است. ایجاد یک هویت مشترک از جمله عواملی است که می‌تواند با اتحاد میان افراد مختلف، تضادها را کاهش دهد. برای مثال آیات (۹-۱۴) سوره حجرات، انواع هویت‌های فردی، جنسیتی، اخلاقی، دینی و اجتماعی چون طَائِفَتَانِ، مُؤْمِنِينَ، قَوْم، نِسَاء، ذُكْر، اُنْثَى، شُعُوب، قَبَائِل و الْأَعْرَاب را به نمایش می‌گذارد. افراد در هر قالب و هویتی چون گروه‌های طایفه‌ای، گروه‌های مؤمن، زنان، مردان، شعوب، قبائل و یا اعرابی، باشند، در صورتیکه زیر یک هویت و پرچم مشترک گرد آیند، توان و قدرت بیشتری در رویارویی با مسائل

خواهند داشت. نکته مهم اجتماعی و فردی در این سوره، در دو آیه کلیدی دیده می‌شود؛ توصیه به ایجاد یک هویت مشترک با عنوان اخوت و برادری برای همه مسلمانان: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات/۱۰) و تقوا، تنها معیار برتری و کرامت انسان‌ها: ﴿إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات/۱۳).

از منظر جامعه‌شناسی، در یک نگاه کلی، سوره حجرات تصویری از انواع هویت‌های فردی و جمعی (جنسیتی، قومی، دینی، اخلاقی) ارائه می‌دهد و آیه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾، همگان را به سوی هویتی مشترک و فراگیر (اخوت ایمانی)، فرا می‌خواند تا با ایجاد قدرت جمعی، توانایی مسلمانان را برای حل مسائل و مواجهه با چالش‌ها افزایش دهد. راهکار دیگر در مواجهه با چالش‌ها، تغییر هویت است که در نیت مثبت و منفی به کار برده می‌شود. طبق نظر جامعه‌شناسان، هویت، یک فرآیند پویا و غیرخطی است که از طریق تجربیات و کنش‌های مداوم شکل می‌گیرد و به هویت پایداری منتهی نمی‌شود (جلانی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۴۳۷). این تغییر در راستای تغییر گروه رخ می‌دهد. از نمونه هویت‌های در حال تغییر، می‌توان به هویت غیرپایدار منافقان اشاره کرد که پیوسته به دنبال جلب منافع یا تأمین امنیت خود بوده و هستند. به همین دلیل، این افراد تغییر چهره (تغییر هویت ظاهری) داده و به ظاهر به صفوف مسلمانان پیوستند و خود را جزو جامعه اسلامی قرار دادند تا از مزایای هویت مسلمانان و جامعه اسلامی استفاده کنند. اما هنگامی که به اصل خود بر می‌گردند سخن دیگری می‌گویند: ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ﴾ (بقره/۱۴)؛ این یک تغییر هویت منفعت‌طلبانه با اهداف و نیت منفی است. منافقان، برای رسیدن به اهداف خود، دست‌یابی یا تغییر به یک هویت ظاهری را راهکاری برای مقابله با زیان‌ها و چالش‌های شخصی خود می‌دانند.

۴- نقش هویت در انسجام و همبستگی اجتماعی

در آغاز این بحث، باید اشاره‌ای به ساختار جوامع متقدم و نوین داشت؛ جوامع قدیمی بر پایه روابط چهره به چهره، سنت‌ها، با تحرک اجتماعی محدود و هویت قبیله‌ای بنا

شده بودند. این جوامع، امروزه، از آن ساختار ساده و سنتی فاصله گرفته و با روابط پیچیده‌تر و تحرک اجتماعی بیشتر، به سمت جوامع ملی و جهانی پیش رفته‌اند. از این‌رو، در بحث انسجام و همبستگی، باید هم به گذشته و هم به تبدیل آن به جامعه و ساختار بزرگتر اشاره کرد و چگونگی شکل‌گیری این همبستگی را در هر دو حالت بررسی نمود. نظام‌های اجتماعی، روابط تنظیم‌شده و وابسته‌ای میان افراد یا گروه‌های خود دارند و این ساختار بر روابط آن‌ها تأثیر می‌گذارد. ساختارهای موجود در نظام اجتماعی به ویژگی‌ها و خصوصیت‌هایی اشاره دارد که متناسب با شرایط زمانی و مکانی خاص خود ساخته می‌شوند (جلانی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۸۷ و ۳۸۸).

شبه جزیره حجاز مدت‌ها پیش از اسلام، ساختار قبیله‌ای داشت. هر قبیله به عنوان یک نظام اجتماعی مستقل، متشکل از گروه‌های تباری یا خویشاوندی بود که نیازهای همدیگر را برطرف می‌کردند. بر پایه نوع زندگی و روابط این دوره زمانی و نیز پس از هجرت پیامبر (ص) می‌توان هویت‌های اجتماعی آن دوره را در دو محور تقویت ساختارهای خویشاوندی و همبستگی اجتماعی، مورد مطالعه قرار داد.

۴-۱- تقویت ساختارها

در اجتماعات انسانی اولیه، تقسیم کار اجتماعی در چهارچوب روابط خویشاوندی صورت می‌گرفت و قبیله‌ها بر سازمان‌های اجتماعی خارج از خویشاوندی تکیه نداشتند. بسیاری از آنان به صورت شبکه‌های کوچک با کمترین وابستگی اقتصادی فعالیت می‌کردند (کیویستو، ۱۳۷۸: ۱۳۴). بدین ترتیب، داشتن ساختارهای خویشاوندی به لحاظ همبستگی اجتماعی و بقای جمعی مهم بود. به همین سبب، خویشاوندی نسبی و سببی در دوره پیش از اسلام و پس از اسلام کارکرد خاص خود را در تقویت ساختار اجتماعی شبه جزیره داشت.

۴-۱-۱- خویشاوندی نسبی

خویشاوندی نسبی، انسان‌ها را بر اساس رابطه خونی به یکدیگر مرتبط می‌سازد. کوچک‌ترین واحد خانواده، شامل پدر، مادر و فرزندان و بزرگ‌ترین واحد، قبیله است که نسب جمع کثیری از افراد را به نیای مشترک می‌رساند و به یکدیگر پیوند می‌دهد. در حفاصل بین این دو، گروه‌های خویشاوندی کوچک‌تری قرار داشت که در فرهنگ عرب با نام‌های مختلف (بطن، عشیره، رَهط، قُصیلَه و ...) از آن‌ها یاد می‌شود (علی، ۱۹۹۳، ج ۱: ۵۰۹-۵۱۱).

یکی از نقش‌های خویشاوندی نسبی، تأمین امنیت جانی و مالی است. در آیه ۹۱ سوره هود آمده است، علت سنگسار نکردن حضرت شعیب (ع) توسط مخالفان و دشمنانش، ترس یا احترام آنان نسبت به قبیله و خویشان آن حضرت بوده است: ﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ ... وَ لَوْ لَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ﴾ (هود/۹۱) (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۲۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۲: ۱۲۲). مخالفان شعیب (ع) به دلیل تعصب و حمایت خویشاوندان شعیب (ع)، نمی‌توانستند حریم امنیتی وی را بشکنند.

در دوره پیشااسلام نیز، اگر حق یکی از اعضای قبیله ضایع می‌شد، دودمان وی، برای استیفای آن، دست به اقدام می‌زد؛ در پی آن، خونخواهی‌ها و انتقام‌های خویشاوندی و قبیله‌ای به جنگ‌های چندساله منتهی می‌گشت که در تاریخ به "ایام العرب" مشهور است (برو، ۲۰۰۱: ۲۰۳). با ظهور اسلام، مسئولیت‌پذیری و ایفای حقوق خویشاوندی بازتعریف و تعدیل شد. توصیه قرآن به ارتباطات، طبقه‌بندی خویشاوندان از نظر اقتصادی و حفظ حقوق آنان، نشان از نقش مهم آن است.

قانونی‌ترین حقوق اقتصادی در خویشاوندی، ارث بردن است که نخست اختصاص به خویشان نسبی دارد (نساء/ ۷ و ۸ و ۳۳). ارث به عنوان یک سازوکار قانونی، تضمین می‌کند که دارایی‌ها و ثروت در بستر خویشاوندی منتقل شود و امنیت مالی، درون خانواده و خویشاوندی ایجاد می‌کند. همچنین روابط قوی و نظارت اجتماعی متقابل در گروه‌های خویشاوندی، می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر رفتارهای مجرمانه عمل کند و به طور غیرمستقیم به محیطی امن‌تر و باثبات‌تر منجر شود. مشارکت و همکاری اعضای

یک گروه خویشاوندی، می‌تواند در مواقع بحران یا نیاز، به حمایت متقابل افراد از یکدیگر و در نتیجه افزایش امنیت جمعی کمک کند.

۴-۱-۲- خویشاوندی سببی

هویت اجتماعی برگرفته از روابط خویشاوندی سببی بر پایه پیوندهای خونی نیست، بلکه، بر پایه تعهدات و قراردادهای اجتماعی شکل می‌گیرد و افراد را به یکدیگر مرتبط و متصل می‌کند. جامعه‌شناسان معتقدند برای درک رفتارهای اجتماعی باید به ساختارها توجه کرد؛ زیرا ساختارها به صورت الگوهای ثابت در کردارهای اجتماعی اثرگذار هستند و در اغلب اوقات، افراد درگیر اعمال روزمره‌ای هستند که تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی آنان قرار دارد (جلائی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۷۳).

در گذشته، برخی از هویت‌ها که از راه ازدواج صورت می‌گرفت، به‌منظور تأمین اهداف دینی و سیاسی و گاه برای کسب هویت‌های جدید بوده است. طبق نظر جامعه‌شناسان، ازدواج برون‌گروهی (بیرون از قبیله یا طائفه) موجب گسترش روابط اجتماعی با قبائل هم‌پیمان و انعقاد پیمان‌های سیاسی با قبائل جدید می‌شد (Ferraro, 2010, P.213).

در دهه‌های آغازین سده ششم میلادی، هم‌زمان با اوج اقتدار قبیله ثقیف در شهر طائف، می‌توان از وصلت‌های زناشویی متعدد این قبیله با دیگر قبائل یاد کرد. آنان ازدواج‌های برون‌گروهی را به شدت افزایش دادند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، وصلت‌های زناشویی متعدد با قبیله قریش بود (پاکتچی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ۸۵). این امر به اتحاد سیاسی و امنیت آن‌ها کمک می‌کرد. کار به جایی می‌رسید که حتی در این وصلت‌ها، باورهای دینی و خدایان یکدیگر را به باورها و آداب دینی خود می‌افزودند تا از حمایت‌های خدایان همدیگر بهره‌مند شوند (ابن‌کلبی، ۱۳۶۴: ۱۸-۱۹)؛ پس از اسلام، به تدریج اهداف و شرایط ازدواج محدودتر شد. در ابتدا، در مکه، مسلمانان استقلالی نداشتند و شرایط اجتماعی آن زمان به سازمان‌دهی مخفیانه و پنهان‌کاری نیاز داشت. از این جهت ممانعتی در انتخاب برای ازدواج نبود؛ اما به دلیل تشکیل جامعه اسلامی در مدینه، هویت اجتماعی مردم با اعتقادات‌شان یکی شد. در نتیجه

هویت دینی یکی از شرایط ازدواج تعیین گردید و مسلمانان را از ازدواج با غیرمسلمانان نهی کرد (قطب، ۱۴۲۵، ج ۱: ۲۳۹): ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ﴾ (بقره/۲۲۱). حتی در این آیه ازدواج با بردگان و کنیزان مؤمن که هویت مشترک با مسلمانان دارند را بر ازدواج با مشرکان برگزید و نشان داد پیوندها در ساختارهای خانوادگی باید مطابق با هویت دینی آنها باشد.

۴-۲- همبستگی اجتماعی

کلمه «همبستگی» در علوم اجتماعی، به نیروها یا عواملی اشاره دارد که افراد را در یک گروه به یکدیگر متصل می‌کند و نشان‌دهنده ارتباطات میان آنهاست که به علت تأثیرات متقابل اجتماعی به یکدیگر پیوند خورده‌اند (گلشن فومنی، ۱۳۸۹: ۱۴۶). در جوامع امروزی که دچار تکرر گروهی شده‌اند، مسئله ادغام و تشکیل اجتماع‌های بزرگ‌تر اهمیت خاصی می‌یابد. با باز شدن گروه‌های کوچک قدیمی و ورود آنها به مجموعه بزرگ‌تر، اهمیت "هویت جامعه" نسبت به سایر هویت‌های جمعی گذشته چون هویت خویشاوندی، هویت محلی، هویت قومی و ... روشن می‌گردد. هویت جامعه یکی از لوازم نظم نوین است و برادری قبیله‌ای در جوامع گذشته به تدریج جای خود را به برادری با همگان می‌دهد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۹ و ۳۰).

نقل شده است قبل از ظهور اسلام، قبیله قریش به شدت به هویت خود به عنوان خاندانی برتر و صاحب امتیاز متکی بود. این خاندان، برتری و جایگاه ویژه‌شان را نشأت گرفته از نسب، موقعیت اجتماعی و سرپرستی خانه کعبه می‌دانستند. آنها با تأکید بر هویت خود و با وجود آگاهی از اهمیت وقوف در عرفات در مناسک حج ابراهیمی، از رفتن به عرفات خودداری می‌کردند تا اعتبار خود را نزد اعراب حفظ کنند و حرمت مکه را متمایز از نقاط دیگر جلوه دهند؛ با نزول آیه ﴿ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره/۱۹۹)، خداوند آنها را از تعصب بر هویت قبیله‌ای

برحذر داشت و امر فرمود همه قبائل با هم در عرفات وقوف کنند و از آنجا همگی با هم به سوی مشعر الحرام و سپس منا کوچ کنند. این همان توصیه به ایجاد همبستگی و برادری است که با رها کردن هویت‌های کوچک و تبدیل به هویت بزرگتر حاصل می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۱۶۸).

قابل توجه است که در میان واژگان قرآنی، کلمه "ولایت" بار معنایی خاصی دارد. گفته شده است این واژه، با واو مفتوح از مصدر مَوَلَى محسوب می‌شود (ابوعبیده، ۱۴۸۱، ج ۱: ۲۵۱). در آیه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا﴾ (انفال/ ۷۲) سخن از ولایت و قرابت میان دو هویت مهم در جامعه مدینه با عنوان مهاجران و انصار است. گروه سومی از مسلمانان در این میان هستند که پس از هجرت پیامبر (ص)، همچنان در مکه باقی مانده بودند. ابتدا در این آیه خداوند سخن از پیوند ولایت، بین مهاجران و انصار به میان می‌آورد و می‌فرماید آن‌ها ولیّ یکدیگرند. بنا به نظر مفسران، این ولایت، معنایی عام دارد و آن ولایت یاری و ولایت امنیت است. به این معنا که افزون بر رابطه‌های حمایتی میان مهاجران و انصار، حتی اگر مسلمانی از جامعه آنان به کفری امان دهد، این امان برای همه مسلمانان معتبر است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۱۴۱). در این جا، مفهوم "ولایت"، نشان‌دهنده یک رابطه نزدیک، مسئولانه و حمایتی بین افراد است.

حمایت انصار و مهاجران از یکدیگر، نمونه‌ای بارز از تعاملات مثبت و سازنده بین گروه‌ها در یک جامعه اسلامی است. این نوع رابطه، فراتر از یک تعامل سطحی است و شامل تعهد به حمایت، محبت و تأمین امنیت یکدیگر می‌شود و به تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد اعتماد متقابل کمک می‌کند.

بدین ترتیب، در آیه ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران/ ۱۰۳)، فارغ از چستیِ حبل‌الله، بحث نهایی همان مسئله اتحاد و دوری از هرگونه تفرقه است که از آن به عنوان نعمت بزرگ اتحاد و برادری یاد شده است: ﴿وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ (آل عمران/ ۱۰۳) اتحادی که در پرتو اسلام و ایمان، دل‌ها را به هم مرتبط ساخت و دشمنان دیروز را برادران امروز گردانید.

گرچه جامعه‌شناسان معتقدند عواملی چون نژاد، زبان، تاریخ مشترک، سرزمین واحد و خون در شکل‌گیری ملت، وحدت ملی و یک جامعه متحد مؤثر است؛ اما این دیدگاه از این نکته غافل است که اجتماعاتی که افراد آن دارای عقاید و ایده‌های گوناگون هستند، چگونه می‌توانند به عنوان یک ملت واحد با همبستگی کامل زندگی کنند. این جاست که پیشوایان بزرگ بشر- که از مکتب وحی الهام می‌گیرند- اساس ملیت را وحدت فکری و عقیدتی دانسته و افرادی را که از نظر عقیده و طرز تفکر، وحدت نظر دارند، برادر یکدیگر خوانده‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۷: ۹۷).

در این راستا، برخی از آیات قرآن بر هویت یک جامعه، وحدت و انسجام آن بسیار تأکید دارند. یادآوری داستان‌ها و تاریخ امت‌ها با هدف تذکر دادن و توجه به ارزش‌ها و باورهای یک جامعه است. از نگاه قرآن، همبستگی اجتماعی و شخصیت‌سازی جامعه با کمک مهم‌ترین عامل یعنی توحید، محقق خواهد شد؛ زیرا هر جامعه‌ای با داشتن فرهنگ و ارزش‌های خاص خود می‌تواند هویت مستقلی از خود به نمایش بگذارد. شاهد براین مطلب، آیاتی از قرآن کریم است که به مؤلفه‌هایی اشاره دارد که گویی یک شخصیت مستقل برای جامعه قائل است؛ مانند مرگ: ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِرُونَ﴾ (اعراف/۳۷)؛ وجود کتاب: ﴿كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا﴾ (جاثیه/۲۸)؛ شعور و عمل: ﴿زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ﴾ (انعام/۱۰۸)؛ سنجش اخلاق و رفتار: ﴿مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ﴾ (مائده/۶۶)؛ مطیع بودن: ﴿أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ﴾ (آل عمران/۱۱۳) و معصیت کار بودن: ﴿وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ﴾ (غافر/۵). از مجموع این آیات به نظر می‌رسد، جامعه مانند بدن انسان از اجزای مختلف تشکیل شده و افراد آن قبل از ترکیب، هریک، دارای هویت و نقش خاصی بوده‌اند. پس جامعه، نوعی حیات و به نوعی یک هویت اجتماعی دارد؛ روح فطری و اندیشه جمعی هر انسانی از زندگی اجتماعی او نشأت می‌گیرد. بر این اساس، قوانین روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، بر هر انسانی حاکم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷: ۳۰۳). با شکل‌گیری این هویت

تحلیل نقش هویت‌های اجتماعی در شکل‌گیری رفتار و نگرش افراد ... _____ فاطمه علیان نژادی و کاووس روحی بوندق

کلی، جامعه به راحتی می‌تواند در برابر دیگر هویت‌ها که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار باشد، مقاومت کند که این امر به همبستگی اجتماعی اعضای آن منتهی می‌گردد.

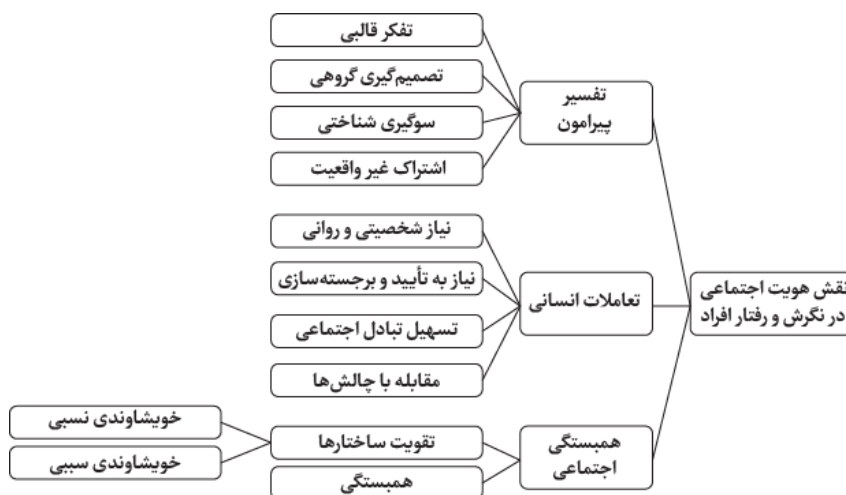
۵- نتیجه‌گیری

با تحلیل رفتار شخصیت‌ها و گروه‌ها از منظر جامعه‌شناسی و با اتکاء به آیات قرآن کریم، این پژوهش به نتایج زیر دست یافت:

۱- درک عمیق‌تر از تأثیرات هویت اجتماعی می‌تواند به آشکارسازی دقیق‌تر و کاربردی‌تر آیات و برخی مفاهیم منجر شود. براین اساس می‌توان برخی از آیات قرآن را از منظر تأثیرات هویت اجتماعی بر تعاملات انسانی، انسجام و همبستگی گروه‌ها و افراد، با درکی نوین تفسیر کرد. تفکر قالبی، تصمیم‌گیری‌ها، سوگیری‌ها و ایجاد توهم همگانی در رفتار افراد نشان می‌دهند که هویت اجتماعی افراد تا چه اندازه می‌تواند بر افراد و جوامع و باورهای آنان اثر بگذارد. این تأثیرات در نمونه‌های قرآنی نشان داد که افراد، به منظور تأمین نیاز به ارتباط با دیگران و تحکیم جایگاه و هویت خویش که مرتبط با منافع آنان است، به صورت پیوسته به دنبال برجسته‌سازی یا تأیید هویت اجتماعی خود هستند.

۲- این پژوهش، با استناد به شواهد تاریخی و آیات قرآنی، اهمیت تأثیرات هویت اجتماعی در تبادلات اجتماعی و کاربرد آن در مواجهه با چالش‌ها را نشان داد. عملکرد هویت‌های اجتماعی به عنوان ابزاری برای تقویت ساختارهای اجتماعی کوچک، نظیر خانواده، خویشاوندان و قبایل دیده می‌شود و در نهایت تجمیع این همبستگی‌های کوچک و شکل‌گیری هویت‌های نوظهور و فراگیرتر، بسترهای لازم را برای اتحاد و انسجام در جوامع بزرگ همچون جامعه و امت اسلامی فراهم می‌آورد.

شکل ۱- نمودار نقش هویت اجتماعی در رفتار و نگرش افراد در قرآن کریم



۶- منابع

✽قرآن کریم

- ۱- آزاد ارمکی، تقی، نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، تهران: سمت، (۱۳۹۲ش).
- ۲- ابو عبیده، معمر بن مثنی، مجاز القرآن، قاهره: مکتبه الخانجی، (۱۴۸۱ق).
- ۳- ابن حبیب، محمد، المنطق فی أخبار قریش، بیروت: عالم الکتب، (۱۹۸۵م).
- ۴- ابن کلبی، هشام بن محمد، الأصنام، قاهره: دار الکتب المصریه، (۱۳۶۴ش).
- ۵- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، مترجم: محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، (۱۳۷۵ش).
- ۶- بارون، رابرت، روانشناسی اجتماعی، مترجم: یوسف کریمی، تهران: نشر روان، چاپ دهم، (۱۳۹۵ش).
- ۷- برو، توفیق، تاریخ العرب القدام، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم، (۲۰۰۱م).
- ۸- پاکتچی، احمد، روش شناسی پیوند میان دستگاه مفهومی قرآن کریم و علوم مدرن، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، (۱۴۰۰ش).
- ۹- پاکتچی، احمد، «ثقیف»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی و دیگران، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، (۱۳۸۸ش).

تحلیل نقش هویت‌های اجتماعی در شکل‌گیری رفتار و نگرش افراد ... _____ فاطمه علیان نژادی و کاووس روحی برندق

- ۱۰- ترنر، جانان اچ، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه: محمد فولادی، محمد عزیز بختیاری، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، (۱۳۷۸ش).
- ۱۱- ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف والبيان*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۲ق).
- ۱۲- جلائی‌پور، حمیدرضا؛ محمدی، جمال رضا، *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی، (۱۳۸۷ش).
- ۱۳- جنکینز، ریچارد، *هویت اجتماعی*، مترجم: تورج یار احمدی، تهران: پردیس دانش، چاپ دوم، (۱۳۹۴ش).
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر موضوعی قرآن کریم (جامعه در قرآن)*، قم: نشر اسراء، جلد هفدهم، (۱۳۸۹ش).
- ۱۵- چلبی، مسعود، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی، (۱۳۷۵ش).
- ۱۶- درزی، قاسم؛ قراملکی، احد فرامرز، *روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای قرآنی*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام و دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۹۹ش).
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم، (۱۴۱۲ق).
- ۱۸- رضایی اصفهانی، محمد علی، «روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای در تفسیر قرآن»، *فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، پیاپی ۳۲، پاییز، صص ۱۱۵-۱۳۰، (۱۳۸۸ش).
- ۱۹- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم، (۱۴۰۷ق).
- ۲۰- سبجانی تبریزی، جعفر، *نظام اخلاقی اسلام: تفسیر سوره مبارکه حجرات*، بوستان کتاب قم، ایران: قم، چاپ: ۸، (۱۳۷۷ش).
- ۲۱- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، (۱۳۹۰ش).
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، (۱۳۷۲ش).
- ۲۳- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة، (۱۴۱۲ق).
- ۲۴- طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
- ۲۵- علی، جواد، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، جامعه بغداد، (۱۹۹۳م).

- ۲۶- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، (۱۴۲۰ق).
- ۲۷- فضل الله، محمد حسین، *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک، (۱۴۱۹ق).
- ۲۸- فورسایت، دانلسون. آر، پویایی گروهی، مترجم: مهرداد فیروز بخت و منصور قنادان، نشر: فرهنگی رسا، (۱۳۸۰ش).
- ۲۹- قاسمی حسین آبادی، عبدالله، *نقش هویت دینی در امنیت ملی*، استاد راهنما: منصور میراحمدی، کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۱۳۸۸ش).
- ۳۰- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق، چاپ سی و پنجم، (۱۴۲۵ق).
- ۳۱- کریمی، محمدکاظم، «مروری بر نقش و جایگاه مفاهیم گروه، نهاد، جامعه و فرهنگ با نگاه تطبیقی به دیدگاه‌های اسلامی»، *فرهنگ پژوهش*، صص ۷۴-۵۲، (۱۳۸۸ش).
- ۳۲- کیویستو، پیترو، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، (۱۳۷۸ش).
- ۳۳- گلشن فومنی، محمد رسول، *پویایی گروهی و اندازه‌گیری پوشش‌های گروه*، تهران: پژوهش، چاپ چهارم، (۱۳۸۹ش).
- ۳۴- واحدی، علی بن احمد، *أسباب نزول القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه، (۱۴۱۱ق).
- ۳۵- ون بیول، جی؛ پکر، دامینیک، *قدرت ما*، مترجم: صدرا صمدی دزفولی، تهران: نشر مون، (۱۴۰۱ش).
- ۳۶- هاشمی، سید یعقوب، *نقش هویت دینی مسلمانان در همگرایی جهان اسلام*، استاد راهنما: محمدعلی میرعلی، کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، (۱۳۹۶ش).
- ۳۷- یزیدی، عبدالله بن یحیی، *غریب القرآن و تفسیره*، بیروت: عالم الکتب، (۱۴۰۵ق).
- 38- Brinthaup, Thomas M, *Identity, International Encyclopedia of The Social Sciences*, 2Nd, Edition p 551-555, (2000).
- 39- Davis, John.B, *Social identity, International Encyclopedia of The Social Sciences*, 2Nd, Edition, p555-556, (2008).
- 40- Ferraro, Gary & Andreat, Susan, *Cultural Anthropology*, 8 th edition, New York: Thomson Wadsworth,(2010).